

بررسی جامعه‌شناختی توسعه‌ی پایدار عشایر

محمدعلی مقدسی^۱

حافظ احمدی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۹/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱/۲۶

چکیده

در گفتمان توسعه که در سده‌ی اخیر بر ایران حکمفرما بوده، لزوم توجه به ارتباط ارگانیک بین سه شیوه‌ی زیست جاری در کشور (کوچ‌نشینی، روستانشینی و شهرنشینی) جهت حصول توسعه‌ی پایدار و متوازن امری ضروری و شایسته‌ی توجه است. بر همین مبنا، وبه دلیل تأثیرات کمتر و بطئی‌تری که جامعه‌ی عشایری از روند تجدد جاری پذیرفت در تاریخ معاصر هدف تلاش‌های متعدد برنامه‌ریزان و مسئولان امر برای اسکان، یکجانشینی و فرایند ادغام هر چه سریعتر در پیکره‌ی ملی کشور قرار گرفت. اسکان در دو مقطع از تاریخ عشایر جنبه‌ی اجرایی به خود گرفت نخست در دوره‌ی رضاشاه، به صورت اسکان اجباری که با ناکامی همراه بود و دیگری در دوره‌ی فعلی که به خواست و تمایل خود کوچندگان و با کمک دولت جمهوری اسلامی جنبه‌ی عملی یافت. در این مقاله با نشان دادن ضرورت برنامه‌ریزی جامع‌تر در خصوص اسکان، و با هدف تسهیل امر اسکان پس از ذکر اقدامات جمهوری اسلامی در این راستا در نگاهی آسیب‌شناختی مرحله‌ی پس از اسکان مورد بررسی قرار گرفت و علل آثار نامطلوب مشاهده شده را در سه مورد برداشت ساده و سطحی از مفهوم توسعه، فاصله‌ی عمیق بین ایده و عمل و عدم وجود نگاه سیستماتیک به مسائل معرفی و خلاصه کردیم و در انتها راهکارهای لازم جهت اصلاح برنامه‌ریزی‌ها در راستای بهتر پیاده کردن اسکان ارائه گردید.

واژه‌های کلیدی: عشایر، توسعه‌ی پایدار، اسکان عشایر، آسیب‌شناسی اسکان، نگرش سیستماتیک

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده اصلی) moghaddasihessam@gmail.com

۲- کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی

۱. مقدمه

یکی از مهم‌ترین مسائل مبتلا به سده‌ی اخیر در جامعه‌ی ایرانی که به شکل گفتمانی غالب و فائق در آمده و تقریباً تمامی حوزه‌ها را در بر گرفته مسأله‌ی "توسعه نیافتگی" و ابعاد مختلف آن می‌باشد. طوری که صاحب‌نظران عرصه‌های متفاوتی (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی) را به خود مشغول ساخته و کنکاش و جستجوهای آنها را جهت خاصی بخشیده است. انقلاب صنعتی اروپا و تأثیر آن بر جامعه‌ی سنتی ایران (امان‌الهی، ۱۳۸۳: ۱۵۷) را از علل زمینه‌ساز محوری شدن بحث "توسعه نیافتگی" در ایران می‌دانند که از جمله تأثیرات ابتدایی آن، می‌توان به دگرگونی و تغییر نحوه و شکل زیست غالب آن روز ایران (کوچ نشینی) اشاره کرد که نهایتاً در طی فرایندی چندین دهه‌ای به زوال این شیوه‌ی زیست به سود دو قطب دیگر زیست (روستایی و شهری) انجامید. در ابتدا نگاهی مختصر به سیر تاریخی برخورد دولت‌های مدرن ایران تا زمان حاضر با ایلات و عشایر خواهیم داشت. پس از آن با تمرکز بیشتری اقدامات جمهوری اسلامی به خصوص در دهه‌های اخیر و ضرورت توسعه‌ی ایلات را مورد بررسی قرار خواهیم داد. سپس تعاریف توسعه و توسعه‌ی پایدار عشایر و دیدگاه‌های موجود در خصوص توسعه‌ی عشایر به صورت تیتروار از پی‌آمی آیند. تفوق دیدگاه ناظر بر "اسکان" و اقدامات انجام شده در این راستا موضوع بحث کلیدی این مقاله است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت. و در نهایت، بررسی دشواری‌ها و آثار نامطلوب اسکان، علل آن، راهکارها و نتیجه‌گیری کلی، پایان بخش مقاله خواهد بود.

نفوذ تمدن غرب از زمان حکومت قاجار آغاز گردید ولی اولین شکاف بزرگ بین کوچندگی و دولت در زمان رضاخان اتفاق افتاد (دیگار، ۱۳۸۳: ۱۵۰). رضاشاه ابتدا با اقتباس از تشکیلات و سلاح‌های نوین غرب به نوسازی ارتش پرداخت و سپس با استفاده از همین نیروی جدید، توانست به هرج و مرج و ناامنی که در اواخر حکومت قاجار سرتاسر ایران را فراگرفته بود، پایان دهد و به قطع وابستگی دولت به نیروی نظامی ایلات و عشایر اقدام نماید (امان‌الهی، ۱۳۸۳: ۱۶۹).

دولت مرکزی، پس از پیروزی بر کوچ‌نشینان، سیاست‌هایی را به منظور تضعیف آنها به مرحله‌ی اجرا گذاشت. برخی از این تمهیدات عبارت بودند از: یکجانشینی اجباری (یا "تخته‌قاپو"ی عشایر که از ۱۳۰۸ ش آغاز گردید). خلع سلاح - برکناری، تبعید یا اعدام سران ایلات - تبعید بعضی ایلات - جابجایی قدرت از کوچ‌نشینان به نهادهای دولتی و ... (امان‌الهی، ۱۳۸۳: ۱۷۲ تا ۱۷۴).

سیاست‌های رضاشاه پهلوی در نوسازی جامعه در دوره‌ی محمد رضا شاه پهلوی، با عوامل و اقدامات دیگری استمرار یافت که از جمله‌ی اقدامات مؤثر بر زندگی کوچ‌نشینان این دوره می‌توان به اصلاحات ارضی که خود به از هم پاشیدگی نظام سیاسی ایلات و دیگری به رواج و گسترش سوادآموزی نوین در بین ایلات که عاملی جهت تحرک اجتماعی جوانان ایلات گردید، اشاره کرد (امان‌الهی، ۱۳۸۳: ۱۷۶).

به طور خلاصه می‌توان ویژگی‌های اقدامات انجام گرفته تا سال ۱۳۵۷ و قبل از پیروزی انقلاب اسلامی را در موارد زیر برشمرد:

۱) تقلیدی، استعاری و غیر بومی بودن سیاست‌های اتخاذ شده در قبال ایلات؛ کما اینکه رضا شاه پهلوی، در اقدامات خویش، به اقتباس از آتاتورک روی آورده بود و همینطور برنامه‌ی اصلاحات ارضی محمدرضا شاه هم به دستور کندی رئیس‌جمهور آمریکا به مرحله‌ی اجرا در آمد (امان‌الهی، ۱۳۸۳: ۱۷۶).

۲) خصلت تحمیلی و اجباری بودن برنامه‌های نوسازی همچون اسکان اجباری عشایر و دیکته شدن آنها از بالا (دولت) به جمعیت عشایر بدون انطباق این سیاست‌ها با فرهنگ حاکم، باعث شد که با مقاومت شدیدی از جانب ایلات مواجه شود.

۳) نتیجه‌ی جبری دو خصلت فوق، ناکامیهای فراوانی را در اجرای برنامه‌ها و اقدامات مورد اشاره سبب شد و به توسعه‌ی ناهماهنگ و ناموزونی انجامید که به تدریج شکاف بسیار عمیق اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بین جوامع روستایی (کوچ نشین و روستانشین) و شهری را پدید آورد (امان‌الهی، ۱۳۸۳: ۱۷۷).

سیاست‌های جمهوری اسلامی درخصوص عشایر در دهه‌های اخیر در جهت اسکان و استحاله در نظام ملی صورت گرفته است (عبداللهی، ۱۳۸۶: ۲۲). البته این اسکان دیگر اجباری نیست و اغلب، خود کوچ نشینان به این نتیجه رسیده‌اند و در راستای اسکان اختیاری شان دولت منابع و خدماتی در اختیارشان نهاده و یاری‌گر آنها بوده است. از دیگر سیاست‌های دولت در قبال عشایر می‌توان به تأسیس سازمان امور عشایر، تخصیص سهمیه‌ی تحصیلی، آزادسازی قیمت فرآورده‌های دامی، طرح‌های آب‌رسانی، تعاونی‌های عشایری، ارسال دارو و... اشاره کرد (امان‌الهی، ۱۳۸۳: ۱۸۰).

همان‌طور که در روند تاریخی فوق‌آوردیم همگام با روندهای عام جامعه‌ی بشری و دگرگونی‌های ایجاد شده، پیشرفت‌های علمی، فنی و تکنولوژیک و گسترش اقتصاد صنعتی، رواج شهرنشینی و دیگر متغیرهایی که زندگی در جهان معاصر را به شدت متأثر ساخته استمرار شیوه و نوع زیست عشایری به شکل سابق دیگر امکان‌پذیر نیست و یا حداقل این شیوه‌ی زیست با دشواری‌های فراوان و برای مدت محدودی دوام خواهد آورد.

این متغیرهای بیرونی، زندگی عشایر را با تضادهای فراوانی روبرو ساخته به طوری که نارضایتی شدید و وضعیت بلا تکلیفی و حالت یأس را بر آن‌ها حکمفرما ساخته، عده‌ای را به ترک این شیوه‌ی زیست و مهاجرت به شهرها سوق داده و باقی ماندگان نیز در این شکل افتادگی نظام ایلی، با تضادها، سرگشتگی و نابسامانی‌ها (یا همان شرایط آنومیک) و پیامدهای منفی و زیان‌بار آن روبرویند. این مسائل و ضرورت توسعه‌ی پایداری که در طی دهه‌های اخیر در ایران به شدت مورد توجه قرار گرفت و خود را نشان داد باعث گردید که در دوره‌ی فعلی (جمهوری اسلامی) برنامه‌ریزان و مدیران جامعه‌ی عشایری، این جامعه را قسمتی از پیکره‌ی ملی کشور و ساماندهی مناسب آن را لازمه‌ی کار خود بدانند و توسعه‌ی همه‌جانبه‌ی جامعه‌ی عشایری کشور و انتخاب استراتژی توسعه‌ی پایدار برای این جامعه‌ی پویا و در حال تحول از ضروریات برنامه‌ریزی جامع توسعه‌ی کشور باشد (صیدایی، ۱۳۷۷: ۸۵).

به همین منظور از سال ۱۳۷۲ ضرورت توسعه و تحول همه‌جانبه‌ی مناطق عشایری کشور مطرح گردید و اعتباراتی جهت مطالعات، بررسی‌ها و برنامه‌ریزی‌های متخصصان امور عشایر اختصاص یافت (صیدایی، ۱۳۷۷: ۹۰) تا این روند به شکلی کارشناسی و برنامه‌ریزی شده و دقیق صورت گیرد.

تعاریف مهم مفهوم توسعه و توسعه‌ی پایدار عشایر:

در مطالعات انجام شده در این خصوص، تعاریف متعددی از "توسعه" و "توسعه‌ی پایدار عشایر" آورده‌اند. به عنوان مثال، عبداللهی "توسعه" را این‌چنین تعریف کرده:

به فرآیندی از مشارکت مردمی عام گرا اطلاق می‌شود که در جهت به حداکثر رساندن انرژی مهار شده برای پاسخگویی موثر به نیازهای جسمانی، روانی و اجتماعی مردم و کمک به شکوفایی استعدادها و خودیابی آنان صورت می‌گیرد (عبداللهی، ۱۳۷۰: ۵۳).

و یا صیدایی این تعریف را از "توسعه‌ی پایدار عشایری" آورده است:

توسعه‌ی پایدار جامعه‌ی عشایری، مجموعه‌ی تدابیری است که متضمن رشد کمی و کیفی جامعه‌ی عشایری، همراه با هدفمندی دقیق و آینده‌نگری و پیوند منطقی با توسعه‌ی کلان کشور باشد و مشارکت و پذیرش عشایر و درآمدزایی و اشتغال و رفع نیازهای اساسی جامعه را شامل گردد و در آن استفاده‌ی منطقی از منابع و امکانات منطقه‌ای و انسجام اکولوژیکی نیز مورد توجه قرار گیرد (صیدایی، ۱۳۷۷: ۸۵).

به طور کلی می‌توان توسعه‌ی پایدار و متوازن را توسعه‌ای دانست که با استفاده‌ی بهینه از انرژی‌ها و منابع منطقه‌ای با حفظ تعادل در جهت رفع نیازهای زیستی و اجتماعی مردم بیشترین رشد و نتایج پیش‌بینی شده و هدفمند را در ابعاد مختلف (زیست محیطی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی) به بار آورد.

دیدگاه‌های عمده در باب توسعه‌ی پایدار عشایر:

از میان انواع طرح‌ها جهت توسعه‌ی پایدار و بهبود حیات اجتماعی عشایر می‌توان سه دیدگاه زیر را تفکیک و بیان کرد: (۱) دیدگاهی که در آن توسعه را با انجام اصلاحات در قالب نظام ایلی و تداوم کوچندگی ممکن دانسته‌اند. افشار نادری از آن جمله است (عبداللهی، ۱۳۸۶: ۲۶).

(۲) دیدگاهی که بر "رمة گردانی" به عنوان راه حلی متناسب با ظرفیت‌ها و استعدادهای اقتصادی، فرهنگی، سنتی عشایر در فرایند توسعه تأکید دارد. جمشیدیان و ژان پی یر دیگر از متخصصان امور عشایر از معتقدان به این طرح می‌باشند. (۳) و دیدگاهی که در نهایت توسعه‌ی پایدار جامعه‌ی عشایر را در روند ادغام و یکجانشینی و اسکان آن‌ها قابل حصول می‌داند. یوسفی زاده، چلبی و عبداللهی در این عداد به شمار می‌آیند.

اقدامات دولتی پس از انقلاب در راستای "طرح اسکان":

از میان دیدگاه‌های اشاره شده در فوق آن چه در عمل اتفاق افتاد و امکان اجرایی شدن و تخصیص اعتبار یافت طرح یا دیدگاه ناظر به فرآیند اسکان است. دولت جمهوری اسلامی سعی کرد به کوچ‌نشینانی که تمایل به اسکان داشتند یاری‌رسانی و ارائه‌ی خدمات رفاهی به آن‌ها جهت یکجانشینی را در اولویت قرار دهد. به همین منظور جهاد سازندگی (که امروز در وزارت کشاورزی ادغام شده است) در تکمیل اقدامات محرک و مشوق اسکان براساس راهبردی سه مرحله‌ای به فکر زیرساخت‌هایی افتاد که در پذیرش کوچ‌نشینان اسکان یافته موثر بودند. سه مرحله‌ی راهبرد مذکور به شرح ذیل بودند:

الف) مطالعه‌ی پتانسیل (توان بالقوه) ناحیه توسط دانشگاه‌ها یا دفاتر تحقیقاتی بخش خصوصی.

ب) مکان‌یابی و انتخاب محوطه‌هایی که در آن‌ها باید هسته‌های اسکان مستقر شوند.

ج) تدارک و طرح ریزی برنامه‌ی آمایش این "هسته‌ها" (دیگار، ۱۳۸۳: ۱۵۱ و ۱۵۲).

و برای فرآیند اسکان مراحل تعریف شد:

(۱) مرحله‌ی مقدماتی (آماده‌سازی)

(۲) مرحله‌ی میانی (گذار)

(۳) مرحله‌ی پایانی (اسکان دائم و توسعه‌ی نظام نوین زندگی) (عبداللهی، ۱۳۸۶: ۴۴ و ۴۵)

در همین راستا در برنامه‌ی دوم توسعه‌ی جمهوری اسلامی (۱۳۷۵-۱۳۷۹) فصل مربوط به عشایر، اسکان ۲۰۰۰۰ خانوار با هزینه‌ی ۵۰ میلیارد تومان بودجه پیش‌بینی شده بود و در برنامه‌ی چهارم توسعه (۱۳۸۴-۱۳۸۸) باز هم پیش‌بینی شد که ۵۰٪ کوچ‌نشینان اسکان پیدا کنند (دیگار، ۱۳۸۳: ۱۵۱).

تضادها، دشواری‌ها و آثار نامطلوب بعد از اسکان:

همگام با مطالعات و برنامه ریزی‌های متخصصان امر، طرح اسکان گام به گام پیش رفت و کوچ نشینان فراوانی یکجانشین شدند. اما در پی این یکجانشینی، شاهد ظهور و بروز تعارضات و دشواری‌هایی در وضعیت جدید عشایر و آثار انحرافی و کج کارکردی برای اسکان بودیم. در ذیل اهم این دشواری‌ها و آثار را نام می‌بریم:

(۱) تراکم جمعیت

(۲) ناکافی بودن فروشگاه‌ها و امکانات رفاهی و خدماتی

(۳) بیکاری فزاینده

(۴) فقر شدید

(۵) رکود نسبی دامداری

(۶) مراتع رو به تخریب

(۷) نارضایتی از سرنوشت خود و پایین آمدن سطح امید به زندگی

(۸) به فقرا رفتن عناصر رمزآمیز فرهنگی عشایر

(۹) از بین رفتن دانش فنی سنتی عشایر

(۱۰) افزایش فردگرایی

(۱۱) فروپاشی تقسیمات سرزمینی و سیاسی ایل (دیگار، ۱۳۸۳: ۱۵۲ و ۱۵۳)

و ده‌ها نشانه‌ی دیگر که برخی از صاحب نظران آنها را نتیجه‌ی حتمی، ناگزیر و طبیعی اسکان دانسته‌اند و چندان اهمیتی برای آن‌ها قائل نیستند. ولی به اعتقاد نگارنده، حال پس از صرف هزینه‌ها، امکانات و وقت هنگفت جهت پیاده کردن "طرح اسکان"، بهتر است با آسیب شناسی اسکان و برنامه ریزی‌های جامع‌تر به فکر راهکارهایی جهت اصلاح آن باشیم. اما پیش از طرح این راهکارها نگاهی خواهیم داشت به علل این تضادها و دشواری‌ها.

مهم‌ترین علل مشکلات پیش آمده پس از اسکان:

در نگاهی به روند اقدامات انجام گرفته، به نظر می‌رسد علل و عوامل زیر باعث شده‌اند که نتایج مورد نظر حاصل نشود: الف) برداشت ساده و سطحی از مفهوم توسعه: بعضاً مشاهده شده نگاه برنامه ریزان به امر توسعه‌ی عشایر، و تلقی ایشان از این مفهوم بسیار سطحی می‌باشد که نشانه‌ی آن در بکارگیری سیاست واحد توسعه و نسخه پیچی یکسان نهادهای متولی در قبال عشایر فارغ از تنوع امکانات و استعدادهای فرهنگی، زیستی، اجتماعی و سکونت‌ی هر ایل می‌باشد.

ب) فاصله‌ی عمیق بین ایده و عمل: فاصله‌ی بین جهان نظری و جهان واقع و زیست کوچندگان که به اسکان روی آورده‌اند به شکلی واضح و مبرهن خود را نشان داده. این امر حاکی از عدم انعطاف لازم در برخورد با پیچیدگی‌های سه عامل عنصری زندگی ایلی (انسان، دام و مرتع) و عدم توجه به آن در برنامه ریزی هاست. کما اینکه از جانی دیگر بیان کننده‌ی عدم هماهنگی‌های لازم بین سلسله مراتب دست اندر کار این حوزه می‌باشد.

ج) عدم وجود نگاه سیستماتیک به مسائل و تک علتی دیدن مسائل: در فرآیند برنامه ریزی‌هایی به این حجم و گستردگی و با لحاظ نمودن آن سیر تاریخی که در ابتدای مقاله به آن اشاره شد و فرهنگ خاص متبلور در زیست و نوع نگاه عشایر، می‌طلبد که به جای نگاهی مکانیکی و تک علتی دیدن قضایا و مسائل مطروحه به نگاهی سیستماتیک که ناظر به ارتباط ارگانیک بین مولفه‌های توسعه‌ی پایدار می‌باشد در برنامه ریزی‌ها امعان نظر و توجه خاصی شود.

برخی راهکارها:

الف) مساعدت به مدرنیزه کردن دامداری عشایری و برانگیختن مسئولیت و نوآوری دامداران.

ب) فقرزدایی با تنوع اقتصادی، اشتغال پایدار و روی آوردن به کشاورزی و صنایع تبدیلی و مهمتر از همه توسعه‌ی فعالیتهای های جدیدی که با دآمداری سازگارند: پرورش ماهی، تولید آب معدنی، گردشگری و... ایضاً مساعدت در احیاء فعالیت‌های سنتی قابل حفظ و متناسب با امکانات مناطق: مانند زنبورداری، بهره برداری از نمک و...

ج) متعاقب فقرزدایی و ایجاد فرصت‌های شغلی ناظر به امکانات هر منطقه افزایش درآمد و توزیع عادلانه‌ی آن در دستور کار برنامه ریزان و مسئولان امر قرار گیرد.

د) تغییر الگوهای مصرفی از راه گسترش آگاهی‌ها و پر کردن شکاف اطلاعاتی.

ه) فعال کردن مجدد نهادهای ایلی به منظور سازماندهی و رهبری جمعی منابع طبیعی و همچنین ایجاد و تقویت سازمان‌ها و نهادهای مردمی و غیر دولتی که برآیندی از تنوع فرهنگی و حافظ همبستگی اجتماعی و موجب مشارکت گسترده و تعاملی باشند.

و) هماهنگی بهتر خدمات اداری و فنی.

ز) بازگرداندن غرور و عزت نفس کوچندگان به آن‌ها و گسترش روحیه‌ی خود اتکائی و تلاش در جهت حفظ کرامت و حقوق انسانی شان.

ح) مهیا ساختن امکان مشارکت هرچه بیشتر صاحب‌نظران و متخصصان امر (جامعه‌شناسان، مردم‌شناسان، اقتصاددانان) در تمامی مراحل فرایند اسکان، استفاده از تجربیات موجود دیگر کشورها، همچنین برگزاری مستمر نظرسنجی‌ها بین جامعه‌ی اسکان یافته‌ی عشایری جهت شناخت بهتر، و پیش‌بینی و ترسیم کیفی تر خطوط برنامه ریزی.

ط) و مهم‌ترین نکته که همان توجه به ارتباط ارگانیک بین مولفه‌ها و شاخص‌های توسعه‌ی پایدار (انسان، زنان، محیط زیست، فرهنگ، آموزش، علم، اخلاق، امنیت و مشارکت) می‌باشد. که ضامن نگاه چند بُعدی به قضایاست.

بحث و نتیجه‌گیری:

کوچندگان در ایران که کم و بیش، براساس مورد و دوره، مستقیماً متهم به صدمه زدن به امنیت و وحدت کشور، جلوگیری از تجددگرایی و انهدام پوشش گیاهی آن شده بودند، در برنامه‌ی کوشش‌های متعدد برای اسکان قرار گرفتند (دیگار، ۱۳۸۳: ۱۵۰). تفاوت اسکان در حال اجراء در دوره‌ی جمهوری اسلامی با اسکان اجباری در زمان رضاشاه پهلوی را در اختیاری بودن آن دانسته‌اند که دولت با کمک و ارائه‌ی خدمات رفاهی به کوچندگانی که تمایل به یکجانشینی دارند اسکان آن‌ها را تسهیل کرده است. در فرایند سه مرحله‌ای اسکان، توجه ما به مرحله‌ی پس از اسکان بود که با آسیب‌شناسی آن مرحله به نتایجی دست یافتیم که به صورت اختصار می‌توان آن‌ها را به این شکل بیان کرد:

۱- توسعه‌ی پایدار در جامعه‌ی عشایری زمانی میسر می‌شود که شرایط جامعه‌ی عشایری (گرایش‌ها، محدودیت‌ها، توانمندی‌ها و استعداد‌های طبیعی و محیطی عشایر) در ارتباطی تنگاتنگ و ارگانیک با اهداف و سیاست‌های توسعه‌ی کشور فهم، درک و تفسیر شوند.

۲- پیچیدگی‌های موجود در ساختار جامعه‌ی عشایری، لزوم بکارگیری نگاه سیستماتیک (که در آن هر تغییری در هر یک از اجزاء، عملکرد کل مجموعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد) در رفع مسائل پیش آمده را به اثبات می‌رساند.

۳- ضرورت "مشارکت" ذینفع‌های یک سیستم، برای حل مجموعه‌ای از مسائل مرتبط، به منظور طراحی و ایجاد آینده‌ای مطلوب، همگام با استمرار توجه به تغییرات، تحولات درونی، محیطی و "لزوم اصلاحات مستمر" در برنامه و "کل‌نگری" به معنی منظور داشتن کل جامعه‌ی مورد نظر در فرایند برنامه ریزی، به نحوی که هماهنگی‌های لازم در کلیه‌ی سطوح و بین کلیه‌ی بخش‌های جامعه صورت گیرد (خاکسار و...: ۱۳۹۰: ۱۶۳ و ۱۶۴) از نکات بسیار مهم در فرایند برنامه ریزی می‌باشد.

۴- با توجه به راهکارها و پیشنهادات ارائه شده در قسمت پایانی مقاله، جهت اصلاح برنامه ریزی های مرتبط با فرایند اسکان، که خود فتح بابی در این موضوع به شمار می آید امید می رود در آینده ای نه چندان دور شاهد اجرایی شدن هر چه بهتر اسکان و یکجانشینی عشایر باشیم با ذکر این نکته که اسکان فی نفسه و به خودی خود هدف نیست بلکه در ارتباط با شرایط موجود به عنوان عاملی مقدماتی در امر توسعه ی پایدار تلقی می شود.

Archive of SID

منابع

- **امان الهی، سکندر (۱۳۸۳)** "زوال کوچ نشینی در ایران: یکجانشینی ایلات و عشایر"، فصلنامه مطالعات ملی، سال پنجم، شماره ۱۷.
- **جمشیدیان، مسعود (۱۳۷۰)** "استراتژی توسعه زندگی عشایر بر محور رمه گردانی" در کتاب مجموعه مقالات سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایر، تهران: سازمان امور عشایر ایران.
- **خاکسار، محمد حسین، تهامی، سید احسان، حافظی مطلق، ناصر (۱۳۹۰)** "نگرش و روش سیستمی در حل مسائل فرهنگی - اجتماعی با توجه به شرایط بومی ایران"، فصلنامه پژوهشی اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال بیست و پنجم، شماره ۲۸۴.
- **دیگار، ژان پی یر، هورکاد، برنار، ریشار، یان (۱۳۷۸)** ایران در قرن بیستم: بررسی اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در یکصد سال اخیر، ترجمه عبدالرضا (هوشنگ) مهدوی، تهران: البرز.
- **دیگار، ژان پی یر (۱۳۸۳)** "توسعه پایدار مناطق ایل نشین ایران: مأموریت پژوهشی و مشاوره ای"، نامه انسان شناسی، سال سوم، شماره ۶.
- **ریتزر، جورج (۱۳۸۶)** نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- **سادوسکی، وادیم (۱۳۶۱)** "روش شناسی علم و برخورد سیستمی"، ترجمه کیومرث پریانی، ماهنامه هدهد، شهریورماه، شماره ۳۴.
- **صیدایی، سید اسکندر (۱۳۷۷)** "توسعه پایدار جامعه عشایری ایران در آینده: چهارچوب نظری، استراتژیهای توسعه"، نشریه علمی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، شماره ۱۳ و ۱۴.
- **عبداللهی، محمد (۱۳۷۰)** "اسکان عشایر از دیدگاه جامعه شناسی توسعه" در کتاب مجموعه مقالات سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایر، تهران: سازمان امور عشایر ایران.
- **عبداللهی، محمد (۱۳۸۶)** "اسکان عشایر و توسعه حیات اجتماعی آنان در ایران: مطالعه موردی طایفه وری علی نظر در استان ایلام"، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۲.